

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان تحقیق:

تاثیر روش آموزش ترکیب واج‌ها در اصلاح نارسا خوانی و نارسا نویسی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم و سوم ابتدایی شهرستان شهریار در سال تحصیلی ۸۸-۸۷

استاد راهنما:

دکتر مریم سیف نراقی

استاد مشاور:

دکتر شهلا پزشک

استاد داور:

دکتر حمید علیزاده

پژوهشگر:

امیر حسین موسوی

تقدیم به:

روح پاک پدرم که با ترک زود هنگام خود استقلال را به من آموخت.

تقدیم به:

مادر عزیزم که با صبر خود شکیبایی و بردباری را به من آموخت.

و تقدیم به:

همسر مهربانم که همیشه مرا به ادامه ی راه دلگرم می ساخت.

قدر دانی:

بعد از حمد و سپاس خدا، تمام احترام و تشکر من نثار عزیزانی است که بی کمک و مساعدت آن ها این کار ناممکن می نمود:

باتشکر و سپاس فراوان از خانم دکتر سیف نراقی که زحمت راهنمایی مرا در این تحقیق بر عهده گرفتند و همواره یاریگر دانشجویان بوده اند و با راهنمایی هایشان همواره مرا یاری کردند.

همچنین تشکر فراوان از خانم دکتر پزشکی که به عنوان استاد مشاور مرا راهنمایی و یاری نمودند.

و همچنین تشکر از آقای دکتر علیزاده که به عنوان استاد داور نکات ارزنده ای را به من آموختند.

چکیده:

این تحقیق با هدف بررسی تاثیر روش آموزش ترکیب واج ها در اصلاح نارساخوانی و نارسا نویسی انجام شده است که با توجه به موضوع تحقیق، روش تحقیق " نیمه آزمایشی " است. جامعه ی آماری این تحقیق در برگیرنده ی دانش آموزان نارساخوان و نارسانویس پایه ی دوم و سوم ابتدایی شهرستان شهریار می باشد که از میان آنان ۵۰ نفر به صورت در دسترس انتخاب شده اند که به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفته اند. نمونه ی مورد نظر بوسیله ی آزمون دیکته نویسی استاندارد مورد سنجش قرار گرفتند و برای اینکه عامل عقب ماندگی ذهنی تاثیرگذار نباشد از طریق آزمون ریون بررسی گردیده و کودکان دارای هوشبهر زیر ۱۰۰ داشتند حذف شدند و تنها آزمودنی هایی که هوشبهر بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ بودند انتخاب شدند. به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از آمار توصیفی شامل میانگین نمرات، توزیع فراوانی و انحراف استاندارد و آمار استنباطی از آنالیز واریانس یک طرفه و آنالیز واریانس چند متغیره استفاده شده است. نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان می دهد که روش آموزش ترکیب واج ها در اصلاح نارساخوانی، نارسانویسی و مختلط (نارساخوانی و نارسانویسی به صورت همزمان) موثر می باشد. ($pvalue=0.000$)

کلید واژه ها: نارسایی ویژه در یادگیری، نارساخوانی، نارسانویسی، روش ترکیب واج ها

صفحه	فهرست
۱	فصل اول : طرح تحقیق
۲	مقدمه
۳	بیان مسئله
۵	اهمیت و ضرورت مسئله
۶	اهداف تحقیق
۶	فرضیه های پژوهش
۷	روش انجام تحقیق
۷	جامعه و نمونه آماری
۸	روش گردآوری اطلاعات
۹	روش آماری
۹	تعریف مفاهیم و واژگان
۱۰	محدودیت های دوگانه ی تحقیق
۱۲	فصل دوم : ادبیات تحقیق
۱۳	مقدمه
۱۳	تعریف نارسایی های ویژه در یادگیری
۱۹	اختلال جزئی در کارکرد مغز
۲۱	اختلال در آمایش مغزی
۲۳	گستره ی نارسایی های ویژه در یادگیری
۲۵	دلایل ایجاد مشکلات یادگیری
۲۷	زبان و گفتار
۲۸	یادگیری وسیله ای در خدمت خواندن
۲۹	خواندن

۳۱	فرایند خواندن
۳۲	واج آرایي
۳۲	واکه ها و همخوان ها
۳۶	مراحل یادگیری خواندن
۳۸	عوامل موثر در خواندن
۳۹	اهداف خواندن
۴۰	نارساخواني
۴۴	سیري در تاریخچه ي سبب شناسي نارساخواني
۴۹	ملاك هاي تشخيص نارساخواني بر اساس DSMIV
	ملاك هاي تشخيص ۱۰-CD براي نارسايي هاي ویژه در خواندن
	۵۰
۵۱	نشانه هاي باليني
۵۳	شیوع نارساخواني
۵۴	انواع نارساخواني
۵۵	خطاهاي خواندن
۵۸	روش هاي آموزش خواندن به کودکان نارساخوان
۶۰	روش هاي بازپروري نارساخواني
۶۳	املا
۶۳	املا فارسي
۶۴	زبان شناسي و املا
۶۵	حافظه ي توالي بينايي
۶۶	شیوه ي سنتي در املا
۶۷	املا و نارسايي هاي ویژه در یادگیری

۶۸	نارسانويسي
۶۹	ملاك هاي تشخيص نارسانويسي بر اساس DSMIV
۶۹	طبقه بندي اختلالات نوشتن
۷۰	عوامل و نشانگان نارسانويسي
۷۲	شيوع نارسانويسي
۷۲	كودكان با دشواري هاي اساسي در نوشتن و املا
۷۵	تشخيص مشكلات املا
۷۶	راهبرد هايي براي آموزش املا
۸۰	فصل سوم : روش تحقيق
۸۱	مقدمه
۸۱	روش تحقيق
۸۱	جامعه ي آماري
۸۲	نمونه ي آماري و روش گزينش آن
۸۳	روش جمع آوري اطلاعات و ابزارهاي آن
۸۴	ابزارهاي پژوهش
۸۵	روشهاي آماري
۸۶	فصل چهارم : تحليل يافته ها
۸۷	مقدمه
۸۷	الف : نارساخواني
۹۲	ب : نارسانويسي
۹۶	ج : مختلط
۱۰۴	فصل پنجم : خلاصه، نتيجه، پيشنهاد

۱۰۵	مقدمه
۱۰۵	بحث و بررسی فرضیه های تحقیق
۱۰۷	ملاحظات اخلاقی
۱۰۷	محدودیت های دوگانه تحقیق
۱۰۸	پیشنهادهایی برای پژوهش های آینده
۱۰۹	پیوست ها
۱۱۰	پیوست ۱ متن خواندن و نوشتن
۱۱۵	پیوست ۲ نمونه آزمون خواندن
۱۱۸	پیوست ۳ نمونه آزمون نوشتن
۱۲۰	پیوست ۴ روش آموزشی ترکیب واج ها
۱۲۴	منابع

فهرست جداول و نمودارها

صفحه

۸	جدول ۱-۱ نحوه ی قرار گرفتن زیرگروه های گروه آزمایش
۸	جدول ۱-۲ نحوه ی قرار گرفتن زیرگروه های گروه کنترل
۲۰	شکل ۱ ۲ نمودار طبقه بندی سندرم های اختلال در کارکرد مغز
۳۴	شکل ۲ ۲ اجزای دخیل در بازشناسی کلمات
۳۶	شکل ۲ ۳ مدل خواندن آدامز
۸۳	جدول ۳-۱ نحوه ی قرار گرفتن زیرگروه های گروه آزمایش
۸۳	جدول ۳-۲ نحوه ی قرار گرفتن زیرگروه های گروه کنترل
۸۷	جدول ۴-۱ آماره های هوشبهر نارساخوانی
۸۸	جدول ۴-۲ آزمون برابری اختلاف میانگین دو نمونه مستقل
۸۸	نمودار ۴-۱ هوشبهری گروه های آزمایش و کنترل نارساخوان
۸۹	جدول ۴-۳ آماره ی اختلاف پیش آزمون و پس آزمون گروه های نارساخوان
۹۰	جدول ۴-۴ تحلیل آماری برابری میانگین های پیش آزمون و پس آزمون گروه نارساخوان
۹۱	نمودار ۴-۲ نمرات گروه آزمایش نارساخوان به تفکیک فرد
۹۱	نمودار ۴-۳ نمرات گروه کنترل نارساخوان به تفکیک فرد
۹۲	جدول ۴-۵ آماره های هوشبهر نارسانوویی
۹۲	جدول ۴-۶ آزمون برابری اختلاف میانگین هوشبهر دو نمونه ی مستقل
۹۳	نمودار ۴-۴ هوشبهری گروه های آزمایش و کنترل نارسانوویس
۹۳	جدول ۴-۷ آماره ی اختلاف پیش آزمون و پس آزمون گروه های نارسانوویس
۹۴	جدول ۴-۴ تحلیل آماری برابری میانگین های پیش آزمون و پس آزمون گروه نارسانوویس
۹۵	نمودار ۴-۵ نمرات گروه آزمایش نارسانوویس به تفکیک فرد
۹۵	نمودار ۴-۶ نمرات گروه کنترل نارسانوویس به تفکیک فرد
۹۶	جدول ۴-۹ آماره های هوشبهر نارسانوویی

- جدول ۱۰ ؛ آزمون برابری اختلاف میانگین هوشبهر دو نمونه ی مستقل ۹۶
- نمودار ۷-۴ هوشبهری گروه های آزمایش و کنترل مختلط ۹۷
- جدول ۱۱ ؛ آماره ی اختلاف پیش آزمون و پس آزمون خواندن گروه مختلط ۹۷
- جدول ۱۲ ؛ آماره ی اختلاف پیش آزمون و پس آزمون نوشتن گروه مختلط ۹۸
- جدول ۱۳ ؛ تعداد آزمودنی های گروه مختلط ۹۸
- جدول ۱۴ ؛ آماره های توصیفی گروه مختلط ۹۹
- جدول ۱۵ ؛ آزمون چند متغیره برای گروه مختلط ۹۹
- جدول ۱۶ ؛ تحلیل واریانس چند متغیره برای گروه مختلط ۱۰۰
- نمودار ۸-۴ نمرات خواندن گروه آزمایش گروه مختلط به تفکیک فرد ۱۰۱
- نمودار ۹-۴ نمرات خواندن گروه کنترل گروه مختلط به تفکیک فرد ۱۰۲
- نمودار ۱۰-۴ نمرات نوشتن گروه آزمایش گروه مختلط به تفکیک فرد ۱۰۲
- نمودار ۱۱-۴ نمرات نوشتن گروه کنترل گروه مختلط به تفکیک فرد ۱۰۳
- جدول شماره «۱» غلط های علی در پیش آزمون خواندن ۱۱۵
- جدول شماره «۲» طبقه بندی غلط های خواندن علی ۱۱۵
- جدول شماره «۱» غلط های علی در پیش آزمون دیکته ۱۱۷
- جدول شماره «۲» طبقه بندی غلط های املايي علی ۱۱۷

فصل اول

طرح تحقیق

۱. مقدمه

از سال ۱۹۵۰ به بعد توجه مربیان، روانشناسان و پزشکان به گروه خاصی از کودکان و آموزش آنان معطوف شد که از نظر جسمی و مغزی دارای هیچ گونه عارضه مشخصی نبوده (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴) اما زمانی که این کودکان وارد مدرسه می شوند، در زمینه هجی کردن، خواندن و ریاضیات دچار مشکل می شوند. این کودکان ظاهری طبیعی دارند، دارای رشد بهنجار و هوش کمابیش عادی هستند که مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می کنند (لطف آبادی، ۱۳۷۰) و والدین آن ها نیز مشکل خاصی را در رابطه با این کودکان گزارش نمی کنند. به عبارتی متخصصان آموزشی با کودکانی روبرو هستند که دارای اختلالات یادگیری هستند ولی علم پزشکی هیچ گونه علامتی از ناهنجاری عصبی یا ضایعات مغزی در آنها نمی یابد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴).

زمانی این کودکان در رده ی کودکان با آسیب مغزی طبقه بندی می شدند و زمانی دیگر آنان را کسانی با اشکالات خفیف مغزی می پنداشتند اما در تازه ترین مطالعات در این زمینه، برای آنها اصطلاح کودکان با نارسایی های ویژه در یادگیری برگزیده شده است (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴).

برای سادگی مطالعه مشکلات کودکان با نارسایی های یادگیری آنان را به هفت گروه تقسیم می کنند که محقق با توجه به موضوع تحقیق به بررسی دو گروه نارسایی در خواندن و نارسایی در نوشتن می پردازد.

اختلال در خواندن یا نارساخوانی یک عارضه رشدی ناهمگن رفتاری وشناختی رایج است که به صورت اولیه از طریق مشکل شدید در تسلط بر خواندن با وجود هوش معمولی و آموزش کافی مشخص می شوند (گریگورنگو، ۲۰۰۱)^۱.

خواندن در برگیرنده مهارت پیچیده ای است که باز شناسی لغات تعیین شده، معنای لغات و عبارات و هماهنگ ساختن این معنا با موضوع کلی متن را شامل می شود این کار مستلزم فرایندهایی است که در سطوح بسیار مختلف بازنمایی از قبیل حروف، کلمات، عبارات، جملات و واحد های بزرگتر متن عمل می کنند. مشکلات خواندن نوعاً شامل دشواری در بازشناسی یا درک نوشته ها هستند . در این میان بازشناسی ، فرایند بنیادی تری محسوب می شود چرا که بیش از آنکه کلمه ای را درک کنیم باید آن را تشخیص دهیم (شریفی در آمدی، ۱۳۸۰).

^۱ Garigorenko

از طرفی دیگر، مسئله بعدی در مورد این کودکان نارسایی در نوشتن است. مشکلات در زمینه نوشتن از ابتدای ورود به مدرسه بر سایر فعالیتهای آموزشی کودک تاثیر منفی می گذارد و موفقیت تحصیلی، شغلی و اجتماعی او را به خطر می اندازد.

توانایی نوشتن مطالب به مهارتهایی مانند درک مناسب کلمات، خوانا نویسی و دستور زبان نیاز دارد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴). در املا نویسی دانش آموز باید یاد بگیرد تا بین صداها یا حروفی که می شنود و آنچه بر روی کاغذ می آورد هماهنگی لازم را ایجاد کند. ترکیب واج ها یکی از روش هایی است که می توان برای خواندن و نوشتن این گروه از کودکان مورد استفاده قرار داد.

آگاهی از مفاهیم و اصطلاحات اساسی مربوط به زبان، امروزه برای معلم زبان کمال اهمیت را دارد. زبان شناسان اظهار می دارند که زبان از تعدادی نظام چون: دستگاه واجی، ساختمان واژه (صرف)، ساخت جمله (نحو) و آهنگ تشکیل شده است. دستگاه واجی نظامی از اصوات کلام در زبان است. واج یکی از واحدهای بنیادین صوتی زبان است که دارای ماهیتی انتزاعی است، این عنصر که بر خلاف صوری بودن اصوات نمود عینی ندارد، در نظام زبان از جایگاه ویژه ای برخوردار است و نقش بنیادینی را ایفا می کند، چرا که در تقطیع زبان به اصول بنیادین ساختمان، اولین سطح از سطوح شکل گیری زبان را به خود اختصاص می دهند. این ویژگی را ویژگی دو لایه^۲ بودن می نامند. بنابر این اساس در مرحله ی اول عناصر بنیادین صوتی زبان با هم ترکیب شده و عناصر بنیادین سطوح دوم که همان تکواژها یا واژهها هستند، را به وجود می آورند (کنس توویچ، ۱۹۹۸) ^۳.

شناخت واج در یادگیری خواندن درست، مثل آموختن زبان شفاهی دارای اهمیت است. بازشناسی، تجزیه، و ترکیب عناصر صوتی (واج ها) در کلمات نوشتاری که در اصطلاح به آن آوا نگاری می گویند برای برخی از کودکان با دشواری همراه است (فریار و رخشان، ۱۳۷۹).

۲. بیان مسئله

در موقعیت فعلی روانشناسی، موضوع نارسایی های ویژه در کودکان و عواملی که می تواند مسایل آموزشی آنان را تحت الشعاع قرار داده و در نتیجه میزان کارایی آنان را افزایش دهد مورد توجه زیادی قرار گرفته است. مشکل ویژه در یادگیری را می توان یک حالت غیر منتظره و غیر قابل توضیحی که در کودکی با هوش متوسط یا بالاتر

۱- Duality

۲- Kenstowich -

بروز می کند و موجب عقب ماندگی قابل توجه وی در یک زمینه یا تعدادی از زمینه های یادگیری می شود، تعریف نمود. این اصطلاح زمانی معنی پیدا می کند که صرفاً در مورد کودکانی به کار رود که مشکلاتشان بیش از حد متوسط این مشکلات باشد (سلیکوتیز، ترجمه فاضلی، ۱۳۸۳).

از نظر تعریف آموزشی کودکان دارای نارسایی ویژه در یادگیری هستند که تفاوت فاحشی بین توانایی هوشی بالقوه آنان و عملکردشان در ارتباط با یادگیری وجود دارد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴).

وجود نارسا خوانی به عنوان یک نشانگان رفتاری - شناختی و پیچیده در حاله ای از شک و تردید قرار دارد. یافته های پیشین در حیطه های شناختی (بنسون^۴ ۱۹۹۴)، رشد (استراسبورگ^۵ ۱۹۹۸)، روانشناسی پرورشی (بالکمن^۶ ۱۹۹۷)، ژنتیک رفتاری (اولسون^۷ ۱۹۹۹)، ژنتیک مولکولی (گریگورنکو ۲۰۰۰) و علوم اعصاب (وود^۸ و فلاورز^۹ ۱۹۹۹) بر پیچیدگی های نارسا خوانی و در نتیجه پیچیدگی های احتمالی عوامل سبب ساز آن تاکید می کند (گریگورنکو، ۲۰۰۱).

معمولاً مشکلات نوشتن در بین کودکان با صدمات مغزی، کودکان با آسیب های خفیف مغزی و کودکان با نارسایی های ویژه در یادگیری دیده می شود و عمل نوشتن به دلیل انتزاعی بودن آن برای کودکان فعالیتی دشوار است به همین جهت زبان نوشتاری در سلسله مراتب توانایی ذهنی پس از سایر اشکال زبان یاد گرفته می شود (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴).

این گروه از کودکان معمولاً از نظر تحول واجی و ترکیب واج ها دچار مشکل هستند. این کودکان ممکن است مجموعه ای از فرایندها متفاوتی را نشان دهند به این صورت که سایر کودکان در رشد طبیعی فرایندهای ساده سازی را رها می کنند اما این کودکان همچنان به استفاده از آنها ادامه دهند. در نتیجه این تداوم، کودک دارای نظام واجی ای است که در آن فرایندهای اولیه در کنار فرایندهای بعدی وجود دارند (شریفی در آمدی، ۱۳۸۰).

اما بررسی ها نشان می دهد که آموزش این گروه کودکان چنانچه با توجه به اختلال ویژه آنان تدوین گردد می تواند موجب اصلاح نارسایی ویژه در یادگیری آنان شود. در همین راستا پژوهش های متعددی انجام شده که

۱- Benson
۲- Strasborgh
۳- Balchman
۴- Olson
۵- Wood
۶- Floweres

استراتژی های آموزشی خاص مطرح شده در اصلاح این نارسایی ها را موثر دانسته اند (مورگان^{۱۰}، ۱۸۹۶ - هینشل وود، ۱۹۱۷ - اورتون، ۱۹۳۷ - گشویند^{۱۱} ۱۹۶۲ - کپارت، ۱۹۶۶ - فرنالد، ۱۹۴۳ - سیف نراقی و نادری، ۱۹۷۲ - به نقل از سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴).

در زمینه نارسا نویسی کودکان تحقیقی توسط شیر محمدی (۱۳۷۸) در رابطه با اختلال نارسا نویسی پسران در منطقه ۱۹ تهران به انجام رسیده است که در آن تاثیر روش فرنالد در اصلاح اختلال دیکته نویسی مثبت ارزیابی گردیده است. همچنین علیخانی (۱۳۸۱) با بررسی غلط های املائی دانش آموزان پسر ابتدایی شهرستان بروجن به لزوم به کارگیری برنامه های بازپروری و بازآموزی این کودکان اشاره نموده است. در همین راستا جعفریان (۱۳۸۵) تحقیق خود را بر روی دانش آموزان دوم ابتدایی مشهد با رویکرد مقایسه ای دو روش سینا و فرنالد به انجام رسانیده و در این تحقیق روش سینا را برای اصلاح اختلال نارسایی مناسب تر از فرنالد ارزیابی کرده است.

لذا در این تحقیق با توجه به مشکلی که این کودکان در زمینه هماهنگ سازی و ارتباط بین حروف و صداها (واج ها) دارند محقق قصد دارد به بررسی تاثیر روش آموزشی ترکیب واج ها در اصلاح نارساخوانی و نارسا نویسی این کودکان بپردازد لذا سوال اصلی محقق این است که آیا روش مذکور می تواند نارسایی در خواندن و نوشتن این گروه از کودکان را اصلاح کند یا خیر؟

۳. اهمیت و ضرورت مسئله

شیوع نارسایی ویژه در یادگیری در کودکان مبتلا طبق تخمین های جهانی حدود ۸ درصد است و غالباً گروه پسران را تشکیل می دهند (لطف آبادی، ۱۳۷۰). تا کنون ارقام گزارش شده درباره کودکان با نارسایی های ویژه در یادگیری کمتر از یک درصد نبوده است (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۴) که با توجه به تعداد زیاد این کودکان و همچنین با دقت در این مسئله که دانش آموزان نارسایی ویژه در یادگیری خصوصاً در زمینه خواندن و دیکته نویسی از ابتدای ورود به مدرسه خود را نشان می دهد و بی توجهی به این مسئله موجب خواهد شد که دانش آموزان زیادی از گردونه آموزش عمومی بیرون روند (لطف آبادی، ۱۳۷۰). در نهایت بروز مشکل در امر تحصیل بر موفقیت آینده کودک تاثیر می گذارد. به نقل از تبریزی (۱۳۸۳) بنا به نظر کالوگر (۱۹۷۸) ۸۵ تا ۹۰ درصد از

اختلالات یادگیری به اختلال خواندن مربوط است. از طرفی نارسا خوانی بر موفقیت روزمره زندگی که نیازمند خواندن هستند به طور معنادار تاثیر می گذارد و به طور موثری کودک را از پیشرفت در دیگر مواد برنامه نویسی باز می دارد (شریفی در آمدی ۱۳۸۰).

لذا انجام این تحقیق به منظور یافتن شیوه ای مناسب تر برای اصلاح نارسا خوانی و نارسا نویسی ضرورت می یابد، تا مربیان و مسئولین مدارس نیز بتوانند در راستای اصلاح این اختلال گام بردارند. در صورت تایید، این روش دارای مزایای زیر است:

۱. با این روش سریعتر می توان به اصلاح این نارسایی ها دست یافت.
۲. نسبت به سایر وسایل و روشها مقرون به صرفه تر است.
۳. نسبت به سایر وسایل آموزشی حجم کمتر و قابلیت جابجایی راحت تری دارد.
۴. این روش توانایی هجی کردن را در کودک تقویت می کند.
۵. این روش قابلیت خود آموزی دارد.
۶. این روش باعث افزایش دامنه لغات کودکان می شود.

۴. اهداف تحقیق

عمده ترین اهداف این تحقیق عبارتند از:

۱. تعیین تاثیر روش آموزش ترکیب واج ها در اصلاح نارساخوانی و نارسا نویسی
۲. ارائه راهکارهای مناسب به مسئولین و مربیان دانش آموزان نارساخوان و نارسا نویس بر اساس یافته های این تحقیق.

۵. فرضیه های پژوهش

عمده ترین فرض های این تحقیق عبارتند از:

- ۱- روش آموزش ترکیب واج ها در اصلاح نارسا خوانی آزمودنی ها تاثیر دارد.
- ۲- روش آموزش ترکیب واج ها در اصلاح نارسا نویسی آزمودنی ها تاثیر دارد.
- ۳- روش آموزش ترکیب واج ها در اصلاح نارسا خوانی و نارسا نویسی (مختلط) آزمودنی ها تاثیر دارد.

۶. روش انجام تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع روش پژوهش در این تحقیق به صورت نیمه آزمایشی است.

۷. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر در بر گیرنده ی دانش آموزان نارسا خوان و نارسا نویس پایه دوم و سوم ابتدایی شهرستان شهریار می باشد که با توجه به آماری که توسط سالنامه ی وزارت آموزش و پرورش اعلام شده، تعداد دانش آموزان پایه ی دوم و سوم ابتدایی شهرستان شهریار روی هم ۱۶۵۴۰ نفر می باشد که با در نظر گرفتن کمترین میزان شیوع نارسایی ویژه در یادگیری (۱ درصد)، با توجه به آمار داده شده توسط سیف نراقی و نادری ۱۳۸۴، تعداد آن ها تقریباً به ۱۶۵ نفر می رسد.

نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۵ نفر دانش آموز است که به صورت در دسترس از کلینیک اختلالات یادگیری شکوفا انتخاب شده اند. نحوه قرار گرفتن دانش آموزان بر اساس جدول زیر است:

جدول ۱-۱ نحوه ی قرار گرفتن زیرگروه های گروه آزمایش

شاخص ها	فراوانی	درصد
گروه ها	فراوانی	فراوانی
مختلط	۱۰	۴۰
نارساخوان	۸	۳۲
نارسا نویس	۷	۲۸

جدول ۱-۲ نحوه ی قرار گرفتن زیرگروه های گروه کنترل

درصد فراوانی	فراوانی	شاخص ها گروه ها
۴۰	۱۰	مختلط
۳۲	۸	نارساخوان
۲۸	۷	نارسانویس

۸. روش گرد آوری داده ها

برای جمع آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده می شود:

۱. آزمون خواندن:

آزمودنی ها با آزمونهای خواندن سیف نراقی و نادری، مورد سنجش واقع شدند (پیوست شماره ی ۱) تا گروههای نارساخوان مشخص گردند. نظر به اینکه دانش آموزان در طی جریان پژوهش دو بار در معرض خواندن قرار گرفته اند (پیش آزمون و پس آزمون)، لذا محقق به اجبار از دو آزمون متفاوت که هر دو از سیف نراقی و نادری هستند، استفاده کرده است.

۲. آزمون املا نویسی:

آزمودنی ها با آزمون املا نویسی سیف نراقی و نادری، مورد سنجش واقع شدند (پیوست شماره ی ۱) تا گروه های نارسا نویس مشخص شوند. نظر به اینکه دانش آموزان در طی جریان پژوهش دو بار در معرض املانویسی قرار گرفته اند (پیش آزمون و پس آزمون)، لذا محقق به اجبار از دو آزمون متفاوت که هر دو از سیف نراقی و نادری هستند، استفاده کرده است.

۳. آزمون هوشی :

در این پژوهش از آزمون هوشی ریون جهت بدست آوردن نمره هوشبهر، استفاده گردیده است تا آزمودنی هایی که هوشبهر زیر ۱۰۰ حذف گردند.

روش گردآوری اطلاعات بدین صورت است که پس از ثبت نام آزمودنی ها، از آنها به منظور پیدا کردن نمره هوشبهر، تست ریون گرفته می شود تا آنهایی که هوشبهر زیر ۱۰۰ دارند حذف گردند. پس از انتخاب آزمودنی ها، ابتدا از آنها یک آزمون خواندن و یک آزمون نوشتن گرفته تا آزمودنی های نارساخوان، نارسانویس و مختلط (نارساخوان و نارسانویس) مشخص شوند. پس از شناسایی آزمودنی ها (پیش آزمون)، روش آموزشی ترکیب واج ها را بر روی آنها اجرا می کنیم و پس از آموزش، دوباره از آزمودنی ها به منظور بررسی تاثیر روش آموزشی، یک آزمون خواندن و نوشتن گرفته می شود (پس آزمون).

۹. روش آماری

در این پژوهش از آمار توصیفی برای محاسبه ی میانگین نمرات، توزیع فراوانی، انحراف استاندارد و برای بررسی و آزمون فرضیه های پژوهش از آمار استنباطی از آنالیز واریانس یک طرفه و آنالیز واریانس دو متغیره استفاده شده است.

۱۰. تعریف مفاهیم و واژگان

نارسا خوانی :

نظری : نارسا خوانی یک عارضه رشدی ناهمگن رفتاری و شناختی رایج است که به صورت اولیه از طریق مشکل شدید در تسلط در خواندن با وجود هوش معمولی و آموزش کافی مشخص می شود (گریگورنکو، ۲۰۰۱).

عملیاتی : دانش آموزی نارسا خوان است که علی رقم داشتن هوش طبیعی (ریون و اسلوسن) و حواس سالم در پیش آزمون بیشتر از ۱۰ غلط داشته باشد.